

۱۳۲۴



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته مطالعات منطقه ای
(گرایش آسیای مرکزی و قفقاز)

عنوان

بررسی راهکارهای گسترش روابط دو جانبه ایران و
جمهوری آذربایجان

استاد راهنما

دکتر سید داوود آقایی

استاد مشاور

دکتر حمید احمدی

۴ / ۹۲ / ۱۳۸۸

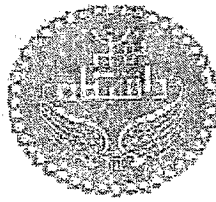
دانشجو

میشم رستمی

انجمن هیات مدیران علمی پژوهش
شعبه حقوق

پاییز ۱۳۸۸

۱۳۲۲۰۰



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی مطالعات منطقه ای
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: میثم رستمی

گرایش : آسیای مرکزی قفقاز

در رشته : مطالعات منطقه ای

با عنوان : بررسی راهکارهای گسترش روابط دوجانبه ایران و آذربایجان

را در تاریخ : ۸۸/۱۰/۲

به عدد	به حروف
۱۸۱۵	هشتمین و نیم

با نمره نهایی :

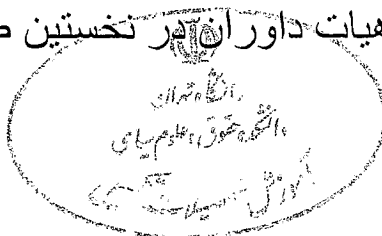
ارزیابی نمود .

با درجه :

عالی

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر سید داود آقایی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر حمید احمدی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر الهه کولایی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر احمد دوست محمدی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .





جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

شماره _____

تاریخ _____

پیوست _____

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تعمد نامه اصالت اثر

اینجانب ^{مدتم} متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء ^{مدتم}

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فخر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

تقدیم به دایمی شهیدم

«صفر علی طاهری» که با خون خود از

وطن عزیزمان «ایران» جانانه پاسداری کرد.

خداوند بزرگ را شاکرم که زمینه تحصیل علم و دانش را در یک فضای پاک و سالم و در کنار انسان های بزرگواری چون اساتید محترم و دوستان عزیزم برای بنده مهیا نمود. اکنون که در سایه لطف بی کران خداوند بزرگ این مقطع تحصیلی را به پایان می برم، جا دارد که از زحمات بی دریغ خانواده ام و به خصوص همسر عزیزم که همیشه دعای خیرشان بدرقه راهم بوده تشکر و قدردانی کنم. همچنین ادب و احترام ایجاب می کند که از زحمات اساتید گرانقدرم جناب آقای دکتر آقایی (استاد راهنما) و جناب آقای دکتر احمدی (استاد مشاور) که بی شک راهنمایی های این بزرگواران مهمترین کمک به بنده بوده است و نیز سرکار خانم دکتر کولایی به پاس همه زحماتی که برای اعتلای گروه مطالعات منطقه ای متقبل شده اند و دیگر اساتید محترم تشکر و قدردانی نمایم.

پس از ۷۰ سال زیستن در سایه حکومت شوروی، جمهوری مستقل آذربایجان در سال ۱۹۹۱ به وجود آمد. جمهوری اسلامی ایران نیز بنا به ملاحظات دوستی و همسایگی و سابقه دیرینه مردم دو کشور، این دولت جدید را به رسمیت شناخت. به هر حال، خلاء قدرتی که در دهه ۱۹۹۰ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به وجود آمد، زمینه را برای فعالیت و بازیگری قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای مهیا نمود. یکی از قدرت های مهم منطقه ای، جمهوری اسلامی ایران بود که سعی در توسعه و تحکیم نفوذ خود در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی داشت. اگر از ابعاد تاریخی، مذهبی، قومی و حتی جغرافیایی به منطقه قفقاز جنوبی نگاه کنیم، می بینیم که این منطقه برای ایران مهم تلقی می شده و می شود. یکی از کشورهای منطقه قفقاز جنوبی، جمهوری آذربایجان است که به دلایل فوق برای ایران بسیار مهم و حیاتی بود که با این کشور رابطه مستحکمی برقرار نماید.

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان طی دو دهه گذشته، روابط نسبتاً مناسب اما عادی با یکدیگر داشته اند و با وجود فراز و نشیب های زیاد، به علت عنصر همسایگی و ... این روابط همچنان باقی مانده است. از اینرو هدف پژوهش پیش رو بررسی و پاسخ دادن به این سؤال که: «چه راهکارهایی می تواند به گسترش روابط دو جانبه ایران و جمهوری آذربایجان منجر شود؟» می باشد. فرض بر این است که اتخاذ سیاست های شفاف، هدفمند و اعتماد ساز از سوی هر دو کشور در مقابل یکدیگر می تواند سبب گسترش روابط دو جانبه میان این دو کشور شود. لازم به ذکر است روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی می باشد. با توجه به متغیرهایی چون بسترهای روابط دو جانبه، اصول سیاست خارجی دو کشور و نگاه به یکدیگر، موانع داخلی و موانع خارجی، ظرفیت ها و فرصت ها در توسعه روابط و اتخاذ سیاست های شفاف، اعتماد ساز و هدفمند سعی در بررسی و تبیین فرضیه واستدلال خود داریم.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱.....	مقدمه
۱.....	طرح مسأله
۲.....	سوال اصلی
۳.....	سوالات فرعی
۳.....	بررسی آثار
۵.....	اهداف پژوهش
۵.....	نقطه تمرکز پژوهش
۵.....	متغیرهای دخیل
۶.....	فرضیه پژوهش
۶.....	متغیرهای فرضیه و شاخص های آنها
۷.....	روش بررسی فرضیه
۷.....	سازماندهی پژوهش
۷.....	مبانی و چارچوب نظری پژوهش

فصل اول

بسترهای موجود برای توسعه روابط

ایران و جمهوری آذربایجان

۲۰.....	الف- پیوندهای تاریخی میان ایران و جمهوری آذربایجان
۲۴.....	ب- پیوندهای دینی - مذهبی ایران و جمهوری آذربایجان
۲۵.....	ج- اشتراکات فرهنگی ایران و جمهوری آذربایجان
۲۷.....	د- بستر ژئوپلیتیکی

فصل دوم

بررسی مقایسه ای اهداف، اصول و عملکرد سیاست خارجی

ایران و جمهوری آذربایجان

الف- اصول و ساختارها.....	۳۲
۱- اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری آذربایجان.....	۳۲
۲- اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۴۱
ب- رویکردهای متقابل دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان نسبت به یکدیگر در حوزه سیاست خارجی.....	۴۹
۱- نگرش سیاست خارجی ایران به منطقه قفقاز.....	۴۹
۲- اهمیت قفقاز برای ایران.....	۵۱
۳- اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه قفقاز.....	۵۱
۴- نگاه ایران به جمهوری آذربایجان.....	۵۲
۵- نگاه جمهوری آذربایجان به ایران.....	۵۳

فصل سوم

موانع موجود بر سر راه گسترش روابط دو جانبه

ایران و جمهوری آذربایجان

مقدمه.....	۵۵
الف- وضعیت کنونی روابط دو جانبه ایران و جمهوری آذربایجان.....	۵۵
۱- روابط سیاسی.....	۵۵
۲- روابط اقتصادی.....	۵۷
۳- روابط فرهنگی.....	۶۲
ب- موانع موجود در راه توسعه روابط.....	۶۴
۱- موانع داخلی.....	۶۵
۱- ۱) موانع موجود در ایران.....	۶۵
۲- ۲) موانع موجود در جمهوری آذربایجان.....	۶۸
۲- موانع خارجی.....	۷۷
۱- ۲) موانع درون منطقه ای.....	۷۷
۲- ۲) موانع برون منطقه ای.....	۱۰۰

فصل چهارم

دستاوردهای روابط ایران و جمهوری آذربایجان، ظرفیت ها برای توسعه و راهکارهای

گسترش و توسعه روابط دو جانبه

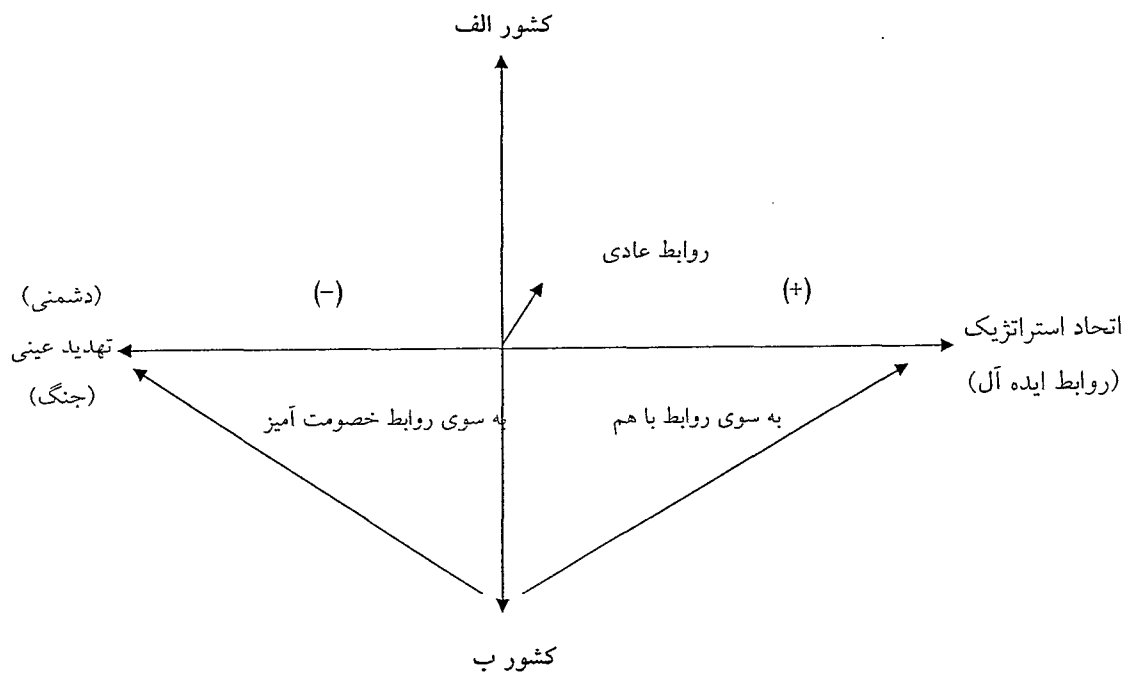
۱۱۶ مقدمه
۱۱۷ الف- ظرفیت ها و فرصت های پیش رو در توسعه روابط
۱۲۱ ب- راهکارهای گسترش و توسعه روابط دو جانبه ایران و جمهوری آذربایجان
۱۲۹ نتیجه گیری
۱۳۶ فهرست منابع

مقدمه

طرح مسأله:

در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱، پس از ۷۰ سال زیستن در سایه حکومت شوروی، جمهوری مستقل آذربایجان به وجود آمد. جمهوری اسلامی ایران نیز بنا به ملاحظات دوستی و همسایگی و سابقه دیرینه مردم دو کشور، این دولت جدید را به رسمیت شناخت. به هر حال، خلاء قدرتی که در دهه ۱۹۹۰ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به وجود آمد، زمینه را برای فعالیت و بازیگری قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای مهیا نمود. یکی از قدرت های مهم منطقه ای، جمهوری اسلامی ایران بود که سعی در توسعه و تحکیم نفوذ خود در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی داشت. اگر از ابعاد تاریخی، مذهبی، قومی و حتی جغرافیایی به منطقه قفقاز جنوبی نگاه کنیم، می بینیم که این منطقه برای ایران مهم تلقی می شده و می شود. یکی از کشورهای منطقه قفقاز جنوبی، جمهوری آذربایجان است که به دلایل فوق برای ایران بسیار مهم و حیاتی بود که با این کشور رابطه مستحکمی برقرار نماید.

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان طی دو دهه گذشته، روابط نسبتاً مناسب اما عادی با یکدیگر داشته اند و با وجود فراز و نشیب های زیاد، به علت عنصر همسایگی و ... این روابط همچنان باقی مانده است. برای بهتر نشان دادن نوع روابط دو جانبه کشورها، در اینجا می توانیم از یک مدل استفاده کنیم و طبق این مدل به ماهیت رابطه کنونی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان پی ببریم. مدل مورد نظر بدین صورت است که در زیر می آید:



طبق این مدل، در حال حاضر ما شاهد رابطه نسبتاً عادی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان هستیم. باید گفت متأسفانه طی این دو دهه، دو کشور نتوانسته اند به سمت استحکام روابط پیش بروند. همچنین در سطح منطقه ای و بین المللی ما شاهد اختلاف نظر و سیاست های دو کشور هستیم. از سوی دیگر این دو کشور همسایه، در سطح روابط دو جانبه نیز نتوانسته اند به بسترها و ظرفیت های واقعی خود (فرهنگ، تاریخ و مذهب مشترک و مهم تر از همه همجواری) نزدیک شوند.

سوال اصلی پژوهش :

این پژوهش تلاش خواهد کرد تا با بررسی شواهد موجود مشخص نماید، چه راهکارهایی را می توان جهت توسعه روابط دو جانبه ایران و جمهوری آذربایجان ارائه نمود؟

سوالات فرعی:

- بسترهای توسعه روابط دو جانبه دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان کدام است؟
- سیاست خارجی دو کشور چه اهداف، اصول و ساختارهایی دارند؟
- موانع موجود بر سر راه گسترش و توسعه روابط دو جانبه دو کشور کدام است؟
- چه ظرفیت ها و فرصتهایی جهت توسعه روابط دو جانبه دو کشور وجود دارد؟

بررسی آثار:

در بررسی ادبیات و آثار موجود که در رابطه با موضوع ما وجود دارد باید یک طبقه بندی ساده و مختصر را انجام داد. بدین ترتیب می توانیم این آثار و منابع را به چند دسته تقسیم کنیم:

- کتابها
 - مقالات
 - پایان نامه ها و رساله های دکتری
 - گزارشهای موجود در بولتن ها و سایت های اینترنتی
- یکی از کتاب هایی که در مورد موضوع پژوهش پیش رو نوشته شده است، کتابی است که بهرام امیراحمدیان آن را تالیف نموده اند. در این کتاب^۱، امیر احمدیان، بحران قره باغ را شروعی بر توسعه نیافتگی روابط دو کشور می داند. پیش از آن، ابوالفضل ایلچی بیک که همراه با جبهه خلق آذری، اندیشه هایی پان ترکی - پان آذری و به شدت ضد ایرانی داشت، که زمینه را برای تبلیغ منفی در بحران قره باغ،

^۱ - بهرام امیر احمدیان. روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذری ها به ایران. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۴.

علیه ایران مهیا نموده بود. با این توصیفات، روابط دو کشور از همان آغاز با یک سوء ظن آغاز شد که نقش غرب و ترکیه در این موضوع بی تاثیر نبود.^۱

همچنین الیاس واحدی در یک مجموعه دو جلدی، به یک برآورد استراتژیک کلی از جمهوری آذربایجان می پردازد.^۲ این برآورد تمامی ابعاد (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، اجتماعی و ...) را در بر می گیرد. از دیگر کتب موجود باید به کتاب محمد حسین افشردی اشاره نمود.^۳ در این کتاب، نویسنده به تشریح موقعیت ژئوپلیتیک قفقاز و جایگاه این منطقه در سیاست خارجی ایران می پردازد. جمهوری آذربایجان نیز به عنوان یکی از کشورهای منطقه قفقاز در این اثر مورد بررسی قرار می گیرد.

در خصوص موضوع مورد پژوهش چند پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز به نگارش در آمده است، با عناوینی همچون «آمریکا و روابط جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران»، «تأثیر سیاست های تحریمی امریکا بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان»، «پیوندهای تاریخی و روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان»، «روابط آذربایجان با امریکا و اسرائیل و سردی روابط ایران و آذربایجان» و ... در اکثر این موارد، پژوهشگران تنها به یک عامل و مانع در روابط دو جانبه ایران و جمهوری آذربایجان اشاره می کنند و در پایان نیز راهکاری ارائه نمی نمایند.

^۱ - همان، صص ۱۳ - ۱۰.

^۲ - الیاس واحدی. برآورد استراتژیک آذربایجان. جلد اول. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲.

- واحدی، الیاس. برآورد استراتژیک آذربایجان. جلد دوم. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۵.

^۳ - محمد حسین افشردی. ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دوره عالی جنگ، ۱۳۸۱.

برای مثال، رضا درویش داد در پایان نامه خود با عنوان «امریکا و روابط جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران»^۱، ایالات متحده آمریکا را به عنوان یک مانع در شکل گیری و گسترش روابط این دو کشور معرفی نموده است. آمریکا به دنبال استراتژی منطقه ای خود یعنی «همه بدون ایران»، سعی در انزوای ایران در چارچوب مرزهای خودش را دارد. باید گفت، نویسنده این عامل را به خوبی تشریح نموده است که می تواند کمکی برای شکافتن و حل مسائل پیش روی ما باشد.

همچنین در یکی دیگر از این پایان نامه ها، نویسنده به تأثیر سیاست های تحریمی آمریکا در سردی روابط ایران و آذربایجان می پردازد.^۲ در این اثر به مانند تمامی آثار دیگر، تک بعدی به مسأله نگاه و تنها علت، در سیاست های تحریمی دنبال می شود.

اهداف پژوهش:

مهمترین هدف پژوهش حاضر آن است که با توجه به عدم ارائه راهکارهای مناسب برای توسعه و گسترش روابط دوجانبه ایران و جمهوری آذربایجان، در اکثر منابع موجود، به ارائه راهکارهای مناسب و سازنده پرداخته شود.

نقطه تمرکز پژوهش:

این پژوهش از لحاظ مکانی، دو کشور حاشیه دریای خزر یعنی ایران و آذربایجان و از لحاظ زمانی، دوره استقلال آذربایجان (فروپاشی شوروی) در سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۹ را مورد بررسی قرار می دهد.

متغیرهای دخیل در توسعه روابط دو جانبه:

۱- بسترهای روابط دو جانبه

^۱ - رضا درویش داد. «امریکا و روابط جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۶.

^۲ - زهرا مرشد شکرچی. «سیاست های تحریمی آمریکا و سردی روابط ایران و آذربایجان». پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۴.

- ۲- اصول سیاست خارجی دو کشور و نگاه به یکدیگر
- ۳- موانع داخلی و موانع خارجی
- ۴- ظرفیت ها و فرصت ها در توسعه روابط
- ۵- اتخاذ سیاست های شفاف، اعتماد ساز و هدفمند

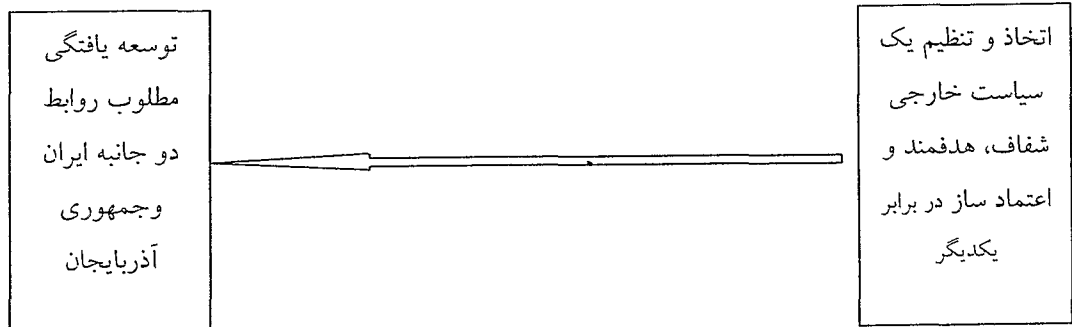
فرضیه پژوهش:

فرضیه پژوهش حاضر بر این مبنا است که: «اتخاذ و تنظیم یک سیاست خارجی شفاف، هدفمند و اعتماد ساز از سوی ایران و جمهوری آذربایجان در برابر یکدیگر می تواند سبب گسترش و توسعه مطلوب روابط دو جانبه بین دو کشور گردد».

متغیر ها:

متغیر وابسته یا **Y**: توسعه یافتگی مطلوب روابط دو جانبه ایران و جمهوری آذربایجان.

متغیر مستقل یا **X**: اتخاذ و تنظیم یک سیاست خارجی شفاف، هدفمند و اعتماد ساز در برابر یکدیگر.



شاخص های متغیر وابسته (توسعه یافتگی مطلوب روابط دو جانبه ایران و جمهوری آذربایجان):

- مواضع سیاسی مطلوب در برابر یکدیگر
- روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سطح بالا
- احساس امنیت از سوی یکدیگر

شاخص های متغیر مستقل (اتخاذ و تنظیم یک سیاست خارجی شفاف، هدفمند و اعتماد ساز):

- پرهیز از واژه گرای در سیاست خارجی، نسبت به یکدیگر

- تلقی دو کشور از هم به عنوان یک همسایه استراتژیک، با اهمیت و سودمند

- ایجاد ساز و کارهای مناسب جهت توسعه روابط تجاری با یکدیگر

- ارتباط و رفت و آمدهای بیشتر میان سیاستمداران دو کشور

- حل مسالمت آمیز مسائل دریای خزر از طریق گفتگو

روش بررسی فرضیه:

روش مورد استفاده برای بررسی فرضیه، روش توصیفی - تحلیلی است.

سازماندهی پژوهش:

این پژوهش پس از ارائه یک مقدمه که شامل طرح پژوهش، پیشینه پژوهش و چارچوب نظری است، در قالب چهار فصل تنظیم شده است. در کل این پژوهش سعی در بررسی چهار متغیر دخیل در توسعه روابط دوجانبه ایران و آذربایجان دارد. در فصل اول، متغیر «بسترهای موجود برای روابط ایران و آذربایجان» مورد بررسی قرار می گیرد. در فصل دوم، «مبانی و اصول سیاست خارجی هر دو کشور و رویکردهای آنها به یکدیگر در حوزه سیاست خارجی» کنکاش می شود. فصل سوم پژوهش به بررسی و واکاوی «موانع موجود بر سر راه توسعه روابط دوجانبه ایران و آذربایجان» می پردازد. اما فصل چهارم ابتدا وضعیت کنونی روابط دو کشور و ظرفیتهای موجود برای توسعه را از نظر می گذراند و سپس به بررسی چهارمین متغیر یعنی «اتخاذ سیاست های شفاف، هدفمند و اعتماد ساز» که در واقع فرضیه پژوهش نیز بر پایه این متغیر ارائه شده است، می پردازد. در پایان نیز یک جمع بندی کلی از مطالب ارائه شده همراه با پیشنهادات و راهکارها در قالب نتیجه گیری ارائه می گردد.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

توسعه و پیشرفت در روابط میان کشورها به عنوان بازیگران عرصه بین المللی جز در سایه همکاری تحقق نمی یابد. بنابراین در ابتدا باید رهنمون ها، رویکردها و برداشتهای متفاوت از همکاری در نظریه ها و متون روابط بین المللی راجع به همکاری میان بازیگران نظام بین المللی را مورد کندوکاو قرار داد تا به فهم مشخصی از این موضوع رسید.

مسأله همکاری بین المللی و عوامل تشویق کننده و یا محدود کننده آن، در متون روابط بین المللی موضوع تحلیل دیدگاه های نظری گوناگونی بوده است. بسیاری از نظریه پردازان روابط بین الملل، تعریف رابرت کیوهین درباره «همکاری» را پذیرفته اند: «همکاری وقتی وجود دارد که بازیگران از طریق هماهنگی سیاست های خود، رفتار خود را با ترجیحات و اولویت های بالفعل و یا بالقوه دیگران سازگار می سازند».^۱ نظریه های موجود در رشته روابط بین الملل، هر کدام با توجه به عوامل مورد توجه و تأکید و نوع هستی شناسی و معرفت شناسی خود، نگاه متفاوتی به مسائل و موضوعات بین المللی دارند.^۲ سعی بر این است که در چارچوب نظری پیش رو، نگاه های متفاوت به موضوع همکاری بین المللی را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

^۱ - «جایگاه همکاریهای بازرگانی در نظریه های روابط بین الملل». ترجمه وحید بزرگی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره ۲۵۷ - ۲۵۸، بهمن و اسفند ۱۳۸۷، صص ۹۰ و ۱۰۰. برگرفته از منبع:
- World Trade Organization. World Trade Report 2007. Geneva: WTO Publications, 2007, pp. 64-79.

^۲ - حمید زنگنه. همکاری بین المللی در تئوری های روابط بین الملل. موجود در سایت:
- http://strategicreview.blogspot.com/2009/10/blog-post_9940.html, 23/10/2009.

جدول شماره ۱ - رویکرد های نظریه های روابط بین الملل نسبت به همکاری

<p>- اعتقاد رئالیسم به ناهماهنگی منافع در جهان و تأکید آنان بر منازعه آمیز بودن روابط بین الملل، چشم انداز همکاری را در این دیدگاه ضعیف نموده است.^۱ دو عامل عمده در چشم انداز رئالیست ها مانع همکاری می شود: ملاحظات مربوط به دستاوردهای نسبی و نگرانی از فریب. در دنیای رئالیست ها کشورها نگران تعادل قوا هستند و نه تنها در مورد امکان همکاری در میان خود، بلکه از نحوه توزیع دستاوردهای ناشی از همکاری به منزله مهمترین موضوع نیز نگرانند.</p> <p>دولتها تنها در صورتی دست به همکاری خواهند زد که این سیاست در خدمت منافع ملی آنها باشد.^۲</p>	<p>رئالیسم</p>
<p>- ماهیت و احتمال همکاری بین المللی را بر اساس ساختار آنارشیک نظام بین المللی تجزیه و تحلیل می کنند. این ساختار دو مانع را بر سر راه همکاری های بین المللی ایجاد می کند: نخست این که، بر اثر جو بی اعتمادی حاکم بر روابط بین الملل، کشورها از ترس استثمار شدن و فریب خوردن توسط شرکای خود در آغاز و ادامه همکاری با کشورهای دیگر محتاط هستند.^۳ دوم این که، دولت ها از آن جا که در یک نظام غیرمتمرکز و خودیار قرار گرفته اند، ماهیتی تدافعی دارند و حتی در شرایطی که همکاری متضمن سود مطلق نیز می باشد، محتاطانه عمل می کنند. با وجود این که دولت ها ممکن است از همکاری سود اقتصادی ببرند، اما عواید اقتصادی تحت الشعاع منافع سیاسی قرار می گیرد. دولت ها همواره از چگونگی توزیع عواید ناشی از همکاری نگرانند و از آن می ترسند که دیگران بیشتر از آن ها از همکاری سود ببرند. بنابراین به رغم آن که ممکن است سود یا «دستاورد مطلق» ناشی از همکاری زیاد باشد، اما برای آن ها آن چه اهمیت بیشتری دارد «دستاورد نسبی» است که اگر به زیان آن ها باشد، مانع از همکاری یا تداوم آن خواهد شد.^۴</p>	<p>نئورئالیسم</p>

^۱ - همان. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: الکساندر ونت. «اقتدارگرایی چیزی است که دولتها خودشان می فهمند». در: اندرو لینکلینر (ویراستار)، جامعه و همکاری در روابط بین الملل، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵، ص ۶۰.

^۲ - همان. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: علی عبدا. خانی. نظریه های امنیت: مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی (۱). تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳، صص ۶۹ - ۷۰.

^۳ - سید جلال دهقانی فیروزآبادی. «تحول نظریه های منازعه و همکاری در روابط بین الملل». پژوهش حقوق و سیاست. شماره ۸، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۰۲.

^۴ - حمیرا مشیر زاده. تحول در نظریه های روابط بین الملل. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲، ص ۱۱۶.

<p>لیبرالیسم بر این باور است که به علت سه جریان عمده در عرصه بین المللی کشورها به سمت همکاری بیشتر گام بر می دارند:</p> <p>- روند وابستگی متقابل میان کشورها بویژه در عرصه های اقتصادی و تجاری.</p> <p>- وابستگی اقتصادی متقابل فزاینده موجب ظهور و ایجاد یک سلسله هنجارها، قواعد و نهادهای بین المللی می شود که برای ایجاد و تسهیل همکاری میان کشورها به وجود می آیند.</p> <p>- جریان دموکراسی شدن بین المللی که طی آن حکومت ها بیشتر دموکراتیک می شوند، موجب کاهش منازعه و افزایش همکاری می شود.^۱</p>	<p>لیبرالیسم</p>
<p>ارbitاطات بین المللی ← مذاکرات بین المللی ← همکاری بین المللی ← همگرایی</p> <p>↓</p> <p>(آخرین مرحله در فرایند همکاری)^۲</p>	<p>زیر مجموعه لیبرالیسم: ۱- رویکرد ارتباطات</p>
<p>- کارکردگرایان بر اساس سیاست همکاری و عقلانیت به جهان می نگرند نه بر اساس سیاست منازعه و عقلانیت گریزی و امیدوارند با افزایش گسترده سازمانهای کاربردی، همکاری میان ملتها و دولتها افزایش یابد. از دید دیوید میترا نی ریشه های همکاری بین المللی در قلمرو وابستگی متقابل کارکردی جستجو می شود. میترا نی بر اجتناب ناپذیر بودن همکاری میان دولتها به علت مشکلات فنی فراوان و عدم توانایی سیاست مداران برای حل آنها تأکید دارد. وی سیاست و اقتصاد را از هم جدا می داند. از این منظر آن چه به اقتصاد و حیات اجتماعی مربوط می شود در عرصه «سیاست پایین» قرار می گیرد و امکان همکاری در آن راحت تر است. دولتها وارد همکاری می شوند و در حوزه سیاست پایین به نهادهایی شکل می دهند و اقتدار خود را در این حوزه ها به این نهادها انتقال می دهند. این همکاری زمینه همکاری های دیگر را فراهم می آورد و این وضعیت قاعده بازی را از حاصل جمع صفر به حاصل جمع متغیر و بعضاً مثبت تغییر خواهد داد.^۳</p>	<p>۲- کارکرد گرایی</p>

^۱ - امیر محمد حاج یوسفی. «سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل از دید نظریه های روابط بین الملل». فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۲، صص ۲۳ - ۲۴.

^۲ - برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به:

- کارل دوپیچ و دیگران. نظریه های روابط بین الملل. ترجمه وحید بزرگی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، جلد دوم، ۱۳۷۵، صص ۸۲۲ - ۸۲۴.

^۳ - مشیر زاده، پیشین، صص ۶۰ - ۶۱.